

تداوم معماری مذهبی ساسانی در مسجد تاریخانه دامغان^۱

تحلیل مقایسه‌ای آتشکده تپه حصار و مسجد تاریخانه دامغان

میترا آزاد^۲

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: مساجد قرون اولیه اسلامی، مسجد تاریخانه دامغان، آتشکده تپه حصار، تداوم معماری ایرانی.

چکیده

گشوده می‌گردد و سپس با مطالعه و رجوع به گزارش‌های باستان‌شناسی، که در حفاری‌های آتشکده تپه حصار و مسجد تاریخانه دامغان حضور داشته‌اند، به بررسی و توصیف دیدگاه‌های محققان مختلف در خصوص این دو بنا پرداخته می‌شود. سپس با توجه به جدول مقایسه تطبیقی عناصر کالبدی کاخ آتشکده تپه حصار و مسجد تاریخانه دامغان نتیجه‌گیری می‌شود که این مسجد ویژگی‌های مشترک بسیاری با آتشکده تپه حصار دامغان دارد و می‌توان آن را تداوم معماری ایرانی به‌شمار آورد، که با توجه به تغییر عملکرد و با استفاده از عناصر معماری ساسانی تغییر شکل در فضای معماری مشاهده می‌شود. همان‌طور که مسیر تحقیق توضیح داده شده، از روش تحقیق موردی با رویکرد تفسیری- تاریخی و سپس تحلیل مقایسه‌ای استفاده شده است.

مقدمه

مساجد ایرانی نمونه بارز رشد و شکوفایی معماری ایران در طی تاریخ پرفرازونشیب آن هستند و در کنار مساجد عثمانی و شمال آفریقا و شبه قاره و مساجد سایر سرزمین‌های اسلامی می‌توان آن را در حد یک سبک در دل کلیت دارای وحدت معماری جهان اسلام به‌شمار آورد.

بسیاری از محققان عرصه معماری بر اهمیت مبحث تداوم در معماری ایرانی تأکید دارند. معماری ایران بنا بر نظر برخی از محققان و ایران‌شناسان حاصل تداوم تاریخی تمدن ایرانی است و می‌دانییم که این معماری در قرون اولیه اسلامی و به‌ویژه با تمرکز بر ساختن مساجد، رشد و شکوفایی قابل‌ملاحظه‌ای می‌یابد. در مطالعه تاریخ معماری ایران، تحقیق درباره معماری مساجد اهمیت بسیاری دارد. در این نوشتار به تبیین تداوم معماری ایران در طول تاریخ تمدن ایران پرداخته می‌شود. سپس شواهد این تداوم به مقایسه کاخ آتشکده ساسانی تپه حصار و مسجد تاریخانه دامغان و بررسی نکات اشتراک و افتراق آن‌ها جستجو و بعد با بررسی نظرات محققان موافق و مخالف، در فهم میزان سهم معماری ساسانی و شیوه ساخت کاخ آتشکده تپه حصار در ساخت مسجد تاریخانه دامغان سعی می‌شود. در مسیر تحقیق با مرور وضعیت اجتماعی- فرهنگی ایران در قرون اولیه اسلامی و چگونگی رابطه ایرانیان با مساجد ساخته‌شده در جهان اسلام، بستر روشنی از نقش ایرانیان و هنر ایرانی در معماری و هنر اسلامی

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «دانشنامه نیایشگاه‌های پیش از اسلام ایران» به سفارش معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی است که در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ به اتمام رسیده است.
2. MAZad@Sbu.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. ایرانیان در ساخت اولین مساجد جهان اسلام چه نقشی داشته‌اند؟
۲. مسجد تاریخانه دامغان در کدام بخش‌ها و عناصر از معماری پیش از اسلام ایران، به ویژه آتشکده تپه حصار، بهره برده است؟

۳. در خصوص شیوه معماری مساجد قرون اولیه اسلامی ایران نظرهای مختلفی ابراز شده است. برخی از باستان‌شناسان، از جمله اولین آن‌ها آندره گدار، مساجد ایران را به دو دسته مهم سبک عربی و شیوه ایرانی تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی، مساجد ساده با شبستان ستون‌دار و بدون ایوان و چهارتاقی، در اولین نوع و مساجد دارای چهارتاقی و گنبدخانه در طرح مساجد خالص ایرانی قرار می‌گیرند. بعد از آندره گدار شرق‌شناسان زیادی شیوه عربی را تکرار و این نظریه را تأیید کردند و مقاله‌های آن‌ها تا به امروز در مجلات داخلی و خارجی چاپ می‌گردد. از جمله موافقان این نظریه دکتر کریستی ویلسن، گیرشمن، ارنست کونل، عیسی بهنام، باربارا فینستر، و هیلن براند هستند. مخالفین این نظریه هم، دکتر عباس زمانی در رساله دکتری خود با عنوان تأثیر هنر ساسانی بر هنر اسلامی و در مقاله مجله هنر و مردم و دکتر اکبر تجویدی و محمدتقی مصطفوی هستند که به تریبی نظر مسجد سبک عربی را در مساجد ایرانی رد کرده‌اند.

هجرت حضرت رسول اکرم (ص) به مدینه و ساخت مسجد النبی، اگرچه به ظاهر حاکی از معماری و شهرسازی پیچیده‌ای نیست، اما به علت ساختار محتوایی، نقطه آغاز معماری و شهرسازی اسلامی قلمداد می‌شود. اعراب تازه‌مسلمان با این پشتوانه، که برای عموم آن‌ها شاید قابل فهم هم نبود، به تمدن‌های ایران و روم با پیشینه‌ای غنی از تجربیات معماری و شهرسازی دست یافتند و از این تجربیات تمدنی در همه امور بهره‌مند شدند. قطعاً فضای معماری مسجد محتوا و معنایی دارد که تا حدودی فرم کلی آن را هم تعیین می‌کند. اما مصالح تکنیک و حتی بعضی فضاسازی‌ها که در مساجد قرون اولیه اسلامی ایران^۳ مشاهده می‌شود، می‌تواند حاصل تعامل تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی باشد.

در مقاله حاضر، با هدف تبیین تداوم تاریخی معماری ایران، در جستجوی شواهدی هستیم که آثاری از اتصال معماری مساجد قرون اولیه را به تجربیات و دانش گذشته معماری ایران نشان دهند و با پیش‌فرض تعامل فرهنگی ایران و اسلام به نقش ایرانیان در سیاست، حکومت، علم و فرهنگ، و در نهایت ساخت مساجد اولیه جهان اسلام در این دوران می‌پردازیم. در این مسیر ابتدا، اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران تا پایان قرن سوم هجری و سپس اولین مساجد ساخته‌شده در جهان اسلام و ارتباط ایرانیان با آن‌ها بررسی شده است. به منظور ایجاد امکان مقایسه، تنها مطالعات در دسترس درباره کاخ آتشکده تپه حصار دامغان بیان گردیده و سپس ویژگی‌های مسجد تاریخانه دامغان بررسی شده است. در نهایت دیدگاه محققان مختلف در خصوص مسجد تاریخانه و آتشکده تپه حصار دامغان مطرح و جدول جمع‌بندی نظرات آن‌ها ارائه می‌گردد.

در این مقاله با بررسی نظرات مختلف و مقایسه دو بنای تاریخی مسجد تاریخانه و کاخ تپه حصار دامغان سعی در شناخت سهم هنر ساسانی در مسجد تاریخانه شده است و با بررسی شیوه ساخت و طرح این مسجد به این نتیجه می‌رسیم که شیوه ساخت مسجد تاریخانه در تداوم معماری ساسانی بوده است.

۱. اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران و رابطه ایرانیان با خلفای صدر اسلام

هنگام فتح ایران به دست سپاهیان اسلام در سرزمین شاهنشاهی ساسانی، آیین‌های زرتشتی، مسیحی، مانوی، مزدکی، بودایی، و یهودی رواج داشت. در آغاز، سراسر این سرزمین به یکباره مسلمان نشدند، بلکه این امر تدریجی

صورت پذیرفت. اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم مردم به تدریج و به علل گوناگون به دین اسلام درآمدند.^۴
استاد مطهری در کتاب *خدمات اسلام و ایران* می‌فرماید:

وقتی به تمام دردهای موجود شده ملت‌ها رسیدگی کنیم، عامل مشترکی در آن‌ها می‌یابیم و آن احساس و اراده نفی ظلم و طلب عدالت است.^۵ از نظر استاد مهم‌ترین عامل شکست حکومت ساسانی ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف‌آمیز آن زمان است و بی‌علاقگی مردم ایران به حکومت و دستگاه دینی سبب می‌شد که سربازان آن‌ها در جنگ‌ها با میل و رغبت علیه مسلمانان نجنگند و حتی در بسیاری از مواقع به آن‌ها کمک کنند.^۶

استاد در جای دیگری اشاره می‌کند که اکثر محققان قرن اول و دوم هجری را دوره رنسانس و شکفتن استعدادهای علمی و معنوی ایرانیان می‌دانند که در همین دوران در صحنه‌ها و جبهه‌های گوناگون به تمدن جوان اسلامی خدمت فراوان کردند.^۷ ایرانیان، با روی کار آمدن عباسیان و انتقال مقر خلافت از دمشق یعنی کشور سامی به بغداد (شهری که با نقشه مدور ساسانی در دوره منصور، خلیفه عباسی، در چند قدمی تیسفون، پایتخت امپراطوری ساسانی، ساخته شد)^۸ عهده‌دار مهم‌ترین مشاغل دولت گردیدند. در این دوره بود که در نتیجه انتقال مرکز حکومت از سوریه به بین‌النهرین، رسوم ساسانی و نفوذ ایرانی جانشین بیزانسی شد.^۹ خلفای عباسی وزیران و مشاورین خود را از میان خانواده‌های بزرگ و اصیل ایرانی برمی‌گزیدند. به این ترتیب آداب و رسوم و زندگی ایرانی در مرکز جدید قدرت سیاسی، رواج یافت. یکی از خانواده‌های مزبور خاندان برمکی مدت چند ده سال در اداره حکومت نقش بسزایی داشت. زمینه غلبه مغلوب بر غالب از مدت‌ها پیش از خلافت عباسیان فراهم شده بود، این غلبه هنگامی کامل شد که عباسیان که ترقی خود را مدیون ایرانیان بودند، بر تخت خلافت نشستند. این خلفا قاعده را بر این نهادند که به کسی جز ایرانیان، به‌ویژه ایرانیان خراسانی، اعتماد نکنند، در نتیجه ایرانیان برجسته‌ترین شخصیت‌های

دربار خلفای عباسی بودند.^{۱۰} هارون الرشید پنجمین خلیفه عباسی به قدرت برمکیان خاتمه داد، ولی باز از قدرت ایرانی‌ها در برابر کاسته نشد، چنانچه مادر مامون و همسرش ایرانی بودند. از دوره المتوکل، کم‌کم حکام ایالات ایرانی که قبول اسلام کرده بودند خود را از قید اطاعت خلفای عباسی آزاد کردند و حکومت‌های کوچک محلی تشکیل دادند و مقدمات تجدید استقلال سیاسی و فرهنگی ایران را در قرون نهم و دهم میلادی فراهم کردند. طاهریان و صفاریان میدان را به سامانیان دادند. اهمیت سامانیان در این است که آیین اسلام در دوره آن‌ها رنگ ایرانی گرفت و در خراسان و ماوراء آن رو به توسعه گذاشت. در این دوره افکار ملی با قدرت‌های کوچک محلی تجلی می‌کرد، آل زیار (۹۲۸-۱۰۷۷م) در طبرستان و گرگان و آل بویه (۹۳۳-۱۰۵۵م) پا به عرصه فعالیت گذاشتند. در سال ۹۴۵م احمد بن بویه وارد بغداد شد و از المستکفی خلیفه بغداد لقب امیرالامرایب و معزالدوله گرفت و عملاً حکومت را به دست گرفت.^{۱۱} استاد مطهری از قول ویل دورانت می‌نویسد:

هنر ساسانی با اشاعه شکل‌ها و دواعی هنری خود از هند و ترکستان و چین در مشرق و سوریه و آسیای صغیر، قسطنطنیه، بالکان، مصر، اسپانیا در مغرب دین خود را ادا کرد. شاید نفوذ هنر ساسانی به هنر یونانی یاری کرد تا به روش تزئینی بیزانسی گراید و به هنر مسیحیت لاتین معاضدت نمود تا از سقف‌های چوبی به طارم‌ها و گنبد‌های آجری یا سنگی و دیوارهای دعامه‌ای عطف توجه کند. هنر ساختن دروازه‌ها و گنبد‌های بزرگ که خاص معماری ساسانی بود، به مسجدهای اسلامی و قصرها و معابد منتقل شد.^{۱۲}

و سپس از قول دیمند، چنین نقل می‌کند:

خلفای اموی از تمام ولایات مفتوحه مصالح و استادانی را جلب می‌کردند و در بنای شهرها و قصرها و مساجد جدید مورد استفاده قرار می‌دادند، معرق‌سازهای بیزانسی و سوریه‌ای برای تزئینات مساجد دمشق استخدام می‌شدند و تحت ریاست یک استاد ایرانی به کار می‌پرداختند. طبری نیز در تاریخ خود گوید که برای بنای

۴. ذبیح‌الله صفا، *تاریخ ادبیات در ایران*، ص ۴۱-۴۲.

۵. مرتضی مطهری، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، ص ۳۲.

۶. همان، ص ۱۰۲.

۷. همان، ص ۳۷۳.

۸. ارنست کونل، *هنر اسلامی*، ص ۲۹.

۹. آندره گدار، *هنر ایران*، ص ۳۵۴.

۱۰. احسان یارشاطر، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۲۵.

۱۱. میترا آزاد، *بررسی تحول بناهای مذهبی دوره ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه اسلامی ایران*، ص ۴۰۲-۴۰۳.

۱۲. مرتضی مطهری، همان، ص ۳۷۸-۳۷۹.

بغداد استادانی از سوریه و ایران و موصل و کوفه استخدام گشتند. با این ترتیب به تدریج یک سبک اسلامی که از دو منبع یعنی عیسوی شرقی و ساسانی سرچشمه می‌گرفت به وجود آمد.^{۱۳}

سپس به ادامهٔ مستقیم هنر ساسانی و منتهی شدن آن به هنر اسلامی اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که هنرمندان گاه عین آن را نقش کردند و گاه آن را تغییر دادند و سبک خاصی را خلق کردند.^{۱۴}

۲. اولین مساجد ساخته‌شده در جهان اسلام و ارتباط ایرانیان با آنها

با توجه به شرایط جغرافیایی اقلیمی منطقهٔ عربستان، اعراب بادیه‌نشین از طریق دامداری و تجارت زندگی را می‌گذراندند. شاید مبارزهٔ مستمر علیه طبیعت و صبر و بردباری و ثبات در زدوخورد‌ها علیه دو امپراطوری بیزانس و ایران، عرب‌ها را برای پیروزی یاری کرد.^{۱۵}

آبادی‌های عربستان در حد واحه‌هایی با زندگی چادرنشینی و بعضاً خانه‌های خشتی و گلی (نمونهٔ یثرب) بود. مکه تنها شهری بود که مرکزیت عبادی و تجاری داشت، اما آنجا نیز از معماری درخوری نداشت. در زمان پیغمبر (ص) مینای شهرنشینی در مدینه با توجه به دین اسلام گذارده شد. هجرت پیغمبر به مدینه و ساخت‌وسازهای آن نقطهٔ آغاز معماری و شهرسازی اسلامی به‌شمار می‌رود.

هنر اسلامی در آغاز پیدایش خود، دو منشأ از هنر خارجی داشته است، هنر بیزانس و نفوذ هنر ایرانی، که با پیروزی خلفای بغداد تثبیت شد و تا اقصا نقاط سوریه هم دیده می‌شود.^{۱۶}

بدین ترتیب هنر ساسانی از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم بر هنر اسلامی تأثیر گذاشته؛ نفوذ مستقیم از طریق بناهای ساسانی عراق کنونی و غیرمستقیم آن هم از طریق هنر بیزانس که از عناصر هنر ساسانی بهره جسته است.

اولین مسجد حیاط خانهٔ حضرت رسول (ص) و مسجد پیغمبر در

مدینه بود. این مسجد قطعه زمینی محصور بوده که یک ضلع آن را نوعی انبار پوشیده از برگ نخل تشکیل می‌داده است. به قدری خشن و ابتدایی بوده که نمی‌توان تصور کرد که اعراب مغرور چنین معبدی را به ملل مغلوب با چنان تمدن کهن و درخشانی تحمیل کرده باشد. از طرفی محقق است که در دورهٔ فتوحات اسلامی نماز و عبادات مرسوم در فضای آزاد یا در ابنیه‌ای که از قدیم بوده، برگزار می‌شد که پس از آن به این امر اختصاص یافتند،^{۱۷} (ت ۱).

اولین مساجدی که اعراب پس از مسجد مدینه ساختند، مساجد بصره و کوفه در بین‌النهرین و فسطاط در مصر بود. مسجد بصره در سال ۱۴ق در سطح زمین و بدون احداث ساختمان و با پرچینی محصورشده بنا گردید. مسجد کوفه در سال ۱۷ هجری ساخته شد، این مسجد در جهت قبله دارای چند ردیف ستون بود که آنها را از کاخ حکام حیره آورده و سقف مسجد از شاخه‌های خرما و گل بود که روی این ستون‌ها قرار داشت و خندقی آن را محصور می‌کرد. مسجد فسطاط نیز در سال ۲۱ق به دستور عمرو بن عاص ساخته شد. این مسجد ساختمان کوچکی به ابعاد ۲۹ در ۱۷/۵ متر بوده و تماماً سرپوشیده بود. حیاط نداشت و دیوارهایش از خشت خام و بدون اندود بود^{۱۸} مساجد کوفه و بصره در مدت کوتاهی در مقیاس بزرگ‌تری بازسازی شدند. بعضی از تغییرات در طی این بازسازی‌ها صورت گرفت که برای تکامل آن‌ها بودند و بنا بر این حکم جزئی جدانشدنی از مسجد را یافتند. در این دوره رواق ستون‌دار به دور حیاط ساخته شد و کم‌کم با افزایش تعداد و عمق رواق‌ها در بخش شبستان و سه طرف حیاط به فضای سرپوشیدهٔ مسجد اضافه شد و حیاط مسجد به صورت حیاط مرکزی (با سابقهٔ ایرانی) در آمد. از آن به بعد مساجد جلوهٔ بیشتری یافتند،^{۱۹} (ت ۲).

در این دوره در شهر کوفه عدّهٔ کثیری از ایرانیان زندگی می‌کردند و بنا بر متون و اسناد، معمار مسجد کوفه "روز به بن بزرگمهر بن ساسان همدانی"^{۲۰} بود و به قول عباس زمانی «این مسجد توسط یک معمار ایرانی در یک شهر پر از جمعیت ایرانی و با مصالح معمول در معماری ایرانی ساخته شده است».^{۲۱} این

۱۳. همان، ص ۳۷۹.

۱۴. همان، ص ۳۸۰.

۱۵. آندره گنار، همان، ص ۳۵۰.

۱۶. همان، ص ۳۵۴.

۱۷. همان، ص ۳۵۱.

۱۸. همان، ص ۳۵۱ و ۲۵۲.

۱۹. رابرت هیلن براند، معماری

اسلامی، ص ۶۸.

۲۰. عباس خلیلی، ایران بعد از اسلام،

ص ۲۱۷.

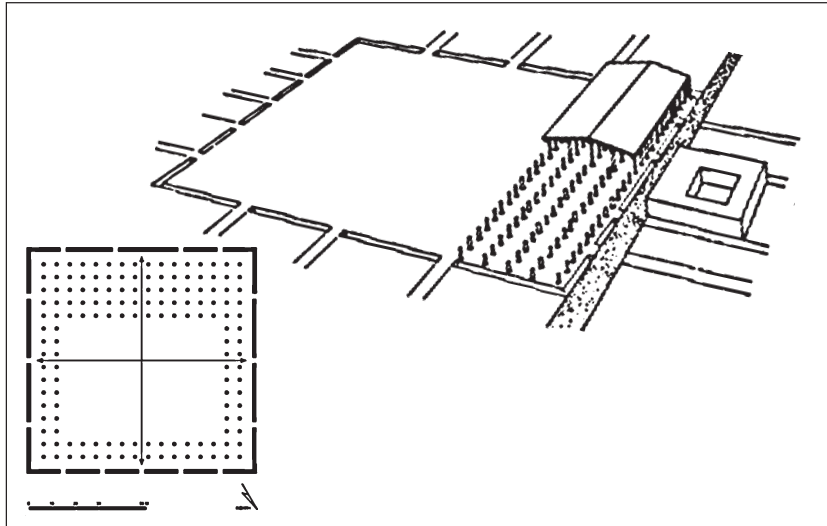
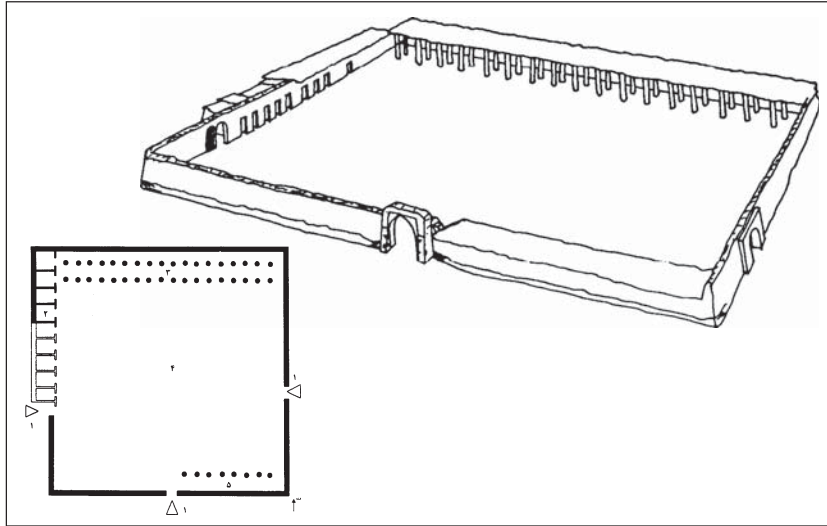
۲۱. عباس زمانی، تأثیر هنر ساسانی

بر هنر اسلامی، ص ۳۰.

ت ۱. (صفحهٔ روبه‌رو، بالا) خانهٔ حضرت رسول و مسجد مدینه، کریم پیرنیا.

ت ۲. (صفحهٔ روبه‌رو، پایین) نقشهٔ اولیه و ثانویهٔ مسجد کوفه، هیلن براند.

رسوخ داده است.^{۲۴} در ساخت دار الاماره کوفه نیز به قدری از کاخ‌های ساسانی تقلید شده بود که وقتی بنا را برای عمر خلیفه دوم وصف کردند، سعد را از حکمرانی کوفه برکنار کرد و دستور داد تا بنا را به آتش بکشند.^{۲۵}



مسجد محصور در خندق بوده و خندق‌سازی را ایرانیان به عرب‌ها آموختند. شبستان ستون‌دار آن با توجه به نوع شبیه به ستون‌های هخامنشی از تالارهای ستون‌دار ایرانی و ستون‌های اولیه آن نیز از کاخ حیره مربوط به دوره ساسانی استفاده شده بود. در ساخت حیاط محصور در رواق نیز از کاخ‌های ساسانی (کاخ خسرو در قصر شیرین) الهام گرفته شده است.^{۲۳} رشد و تکامل مسجدسازی به دست ولید اول خلیفه اموی صورت گرفت. او سه مسجد بسیار مهم از لحاظ سوق الجیشی ساخت. سه مسجد مذکور در بیت المقدس و دمشق و مدینه واقع بودند. مسجد مدینه بسیار متفاوت و خاص بود. این مسجد در محل خانه حضرت محمد (ص) ساخته شد و با توجه به اینکه آن حضرت در همین مکان به خاک سپرده شد، بسیار معتبر بود. به همین دلیل مردم نسبت به تخریب کامل ساختمان‌های آن اعتراض داشتند، ولی طبق دستور خلیفه این اعتراض نادیده گرفته شد. بنا بر این سیستم «دیرک ستون و درگاه چوبی» که از ساختمان‌های یونانی-رومی باقی مانده بود و همچنین آن رنگ و بوی کلاسیک، با استفاده فراوان از سرستون تثبیت شد. اگرچه در بعضی بناها، مانند سرستون‌های کله‌گاو مسجد استخر، ریشه هخامنشی داشتند.^{۲۳} ولید در سال ۸۸ق دستور تخریب مسجد حضرت رسول (ص) را داد و از امپراتور بیزانس خواست که او را در این کار یاری کند. در خصوص مسجد بزرگ دمشق نیز از مقدسی روایت شده است که: ولید برای ساختن آن استادان ماهر را از ایران، هند، مغرب، و بیزانس فراخواند و درآمد هفت سال مالیات سوریه و هیجده کشتی طلا و نقره‌ای را که از قبرس آمده بود خرج آنجا کرد.

عباس زمانی در کتاب تأثیر هنر ساسانی بر هنر اسلامی گفته است که به موجب مقایسه‌ای که پروفسور سواژه محقق فرانسوی، بین مسجد مدینه و مساجد اموی سوریه انجام داده، احتمالاً مساجد سوریه از مسجد مدینه الهام یافته است و در نتیجه این مقایسه تصور می‌شود که مسجد کوفه با واسطه، تأثیر هنر ساسانی را از طریق عربستان به شرق دریای مدیترانه

۳. کاخ آتشکده ساسانی تپه حصار دامغان

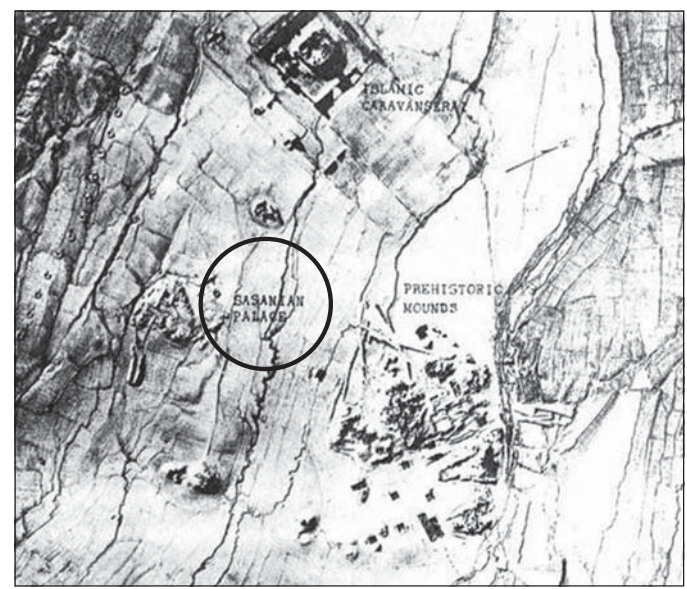
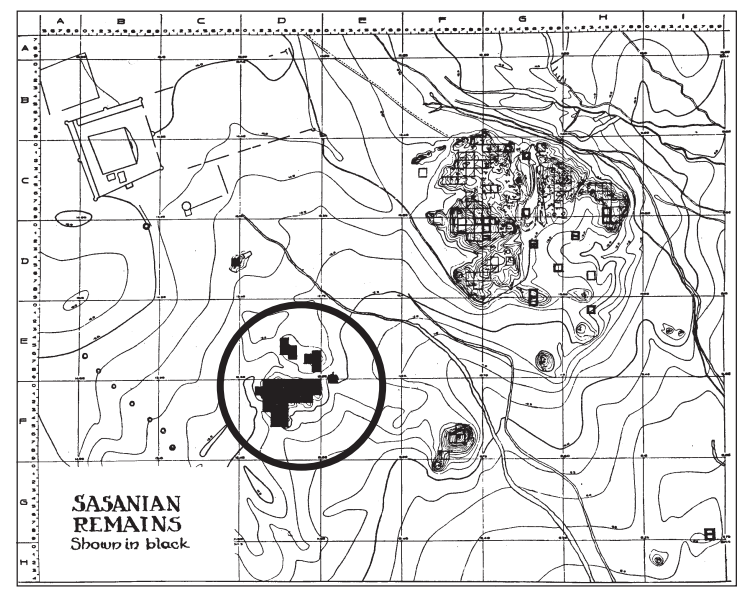
در سال ۱۸۸۰ تعدادی سفال منقوش در شهر دامغان کشف شد که تشخیص اولیه ارنست هرتسفلد بیانگر تعلق آن‌ها به تپه حصار بود. تا اینکه به توصیه وی و با پشتیبانی موزه دانشگاه فیلادلفیا و حمایت افرادی که در رأس آن‌ها خانم ویلیام بويس تامسون قرار داشت، هیئت امریکایی به سرپرستی اریخ اشمیت در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ به منظور کاوش در تپه حصار و محوطه‌های اطراف آن و همچنین بررسی شهر دامغان و حومه آن به ایران اعزام شدند. هیئت اعزامی از طرف موزه دانشگاه و موزه هنر پنسیلوانیا و حمایت مالی خانم بويس پشتیبانی می‌شدند. توصیه‌های اولیه هرتسفلد و مشاوره‌های پوپ باعث شد که مؤسسه امریکایی هنر و باستان‌شناسی ایران^{۲۶} در فصل دوم به این جمع بپیوندد. هدف هیئت همان‌گونه که اشاره شد، تحقیق در احتمال کشف شهر صدروازه در شهر دامغان و ارگ آن بود، لیکن با کاوش‌هایی که در ارگ و مسجد تاریخانه دامغان صورت گرفت هیچ مدارکی از قبل از اسلام به دست نیامد.^{۲۷}

هیئت که در ۱۷ ژوئن ۱۹۳۱ به دامغان رسیده بود، پس از پنج روز کار کاوش را با حفر گمانه‌هایی در ارگ دامغان آغاز کرد. سپس کاوش در تپه اصلی را با ۱۶۰ کارگر و آماده‌سازی دو خط ریل برای حمل خاک شروع کرد. بعد از آن کار در محل بنای کاخ ساسانی و متعاقب آن کاوش در پهنه سفال منقوش با ۲۰۰ نفر کارگر دنبال شد. هیئت کف گچی کاخ ساسانی را مجدداً با خاک پر کرد و با آماده کردن جعبه‌ها، پنبه، وکاه، بسته‌بندی اشیاء و گچ‌بری‌ها و ظروف استخوانی را آغاز کرد. با اجاره چهار کامیون برای انتقال اشیاء، در ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ به سوی تهران حرکت کرد،^{۲۸} (ت ۳ و ۴).

هیئت امریکایی در نزدیکی شهر در محوطه معروف به تپه حصار معبدی از زمان ساسانیان یافت، این معبد مرکب است از ایوان وسیعی که منتهی به تالار مربعی می‌شود که سقف آن گنبد دارد و آتشکده بوده است. ایوان، مرکب از سه طاق است که به وسیله مجموعه‌ای از ستون‌هایی، که روی آنها طاق‌های ضربی زده‌اند، نسبت به خارج به صورت عمودی است. قسمت

- ۲۲. همان، ص ۳۱، مقایسه نقشه‌ها نیز بیانگر مطلب است.
- ۲۳. رابرت هیلن براند، همان، ص ۷۳.
- ۲۴. عباس زمانی، همان، ص ۳۵.
- ۲۵. همان، ص ۳۷.

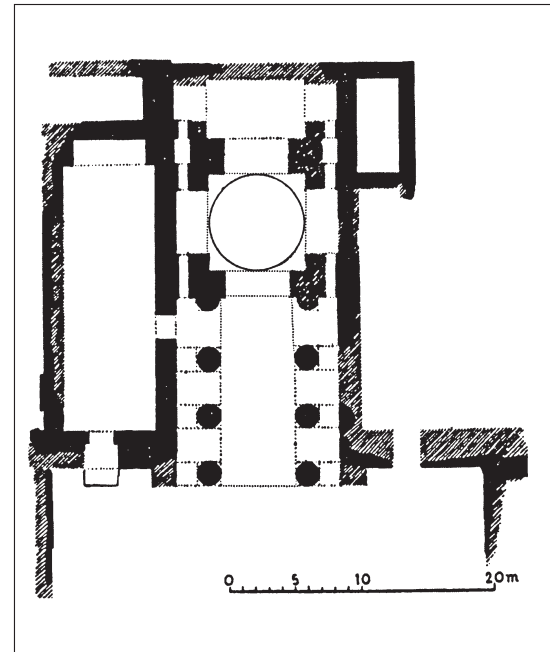
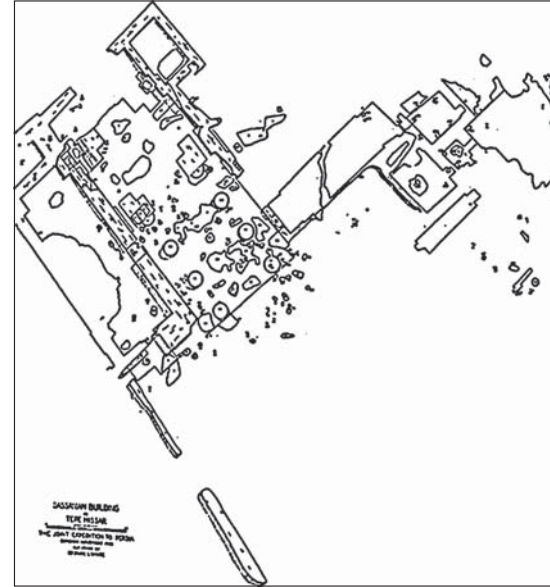
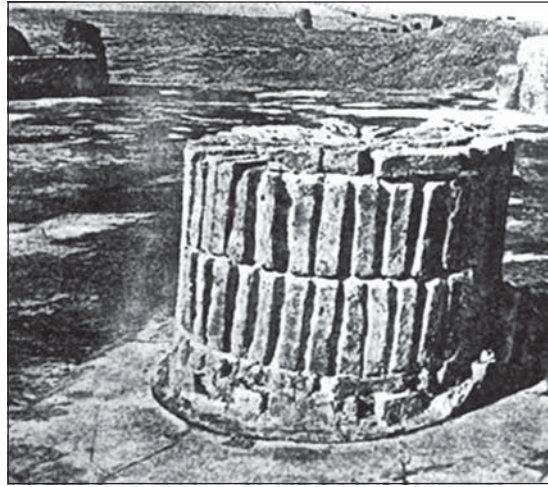
- ت ۳. (راست) موقعیت فرارگیری کاخ ساسانی در محوطه تپه حصار دامغان، اشمیت.
- ت ۴. (چپ) ترانسه‌های کاوش کاخ ساسانی تپه حصار دامغان، اشمیت.



۲۶. عکاسی هیئت به عهدهٔ یک هنرمند لهستانی به نام St. Neidzwiecki بود که بعدها یک روسی به نام M.B. Dubensky با او همکاری می‌کرد. یک هنرمند روسی دیگر به نام Ivan Gerazimoff که معماری نیز می‌دانست کار تهیهٔ نمودارها، طراحی اشیاء، بازسازی ساختمان سوخته و کاخ ساسانی، و نیز مرمت قطعات گچ‌بری را به عهده داشت.

ت ۵. (راست، بالا) پلان کاخ ساسانی تپه حصار دامغان، اشمیت.
 ت ۶ (راست، پایین) پلان کاخ ساسانی تپه حصار دامغان، پوپ.
 ت ۷. (چپ، پایین) دورنمای صحنهٔ کاوش، اشمیت.
 ت ۸ (چپ، بالا) آجرچینی ستون‌های کاخ تپه حصار دامغان، اشمیت.

پایین بعضی از این ستون‌ها را یافته‌اند. ستون‌های مزبور را از آجرهای پهن مربعی ساخته‌اند که هر ضلع آن ۳۰ سانتی‌متر، و قطر آن ۸ سانتی‌متر است و آجرها را متناوباً روی هم گاهی از قطر و گاهی از ارتفاع کار گذارده‌اند (ت ۵ و ۶).
 ستون‌های مزبور به ضمیمهٔ تزیینات خود ۱/۷۲ متر قطر



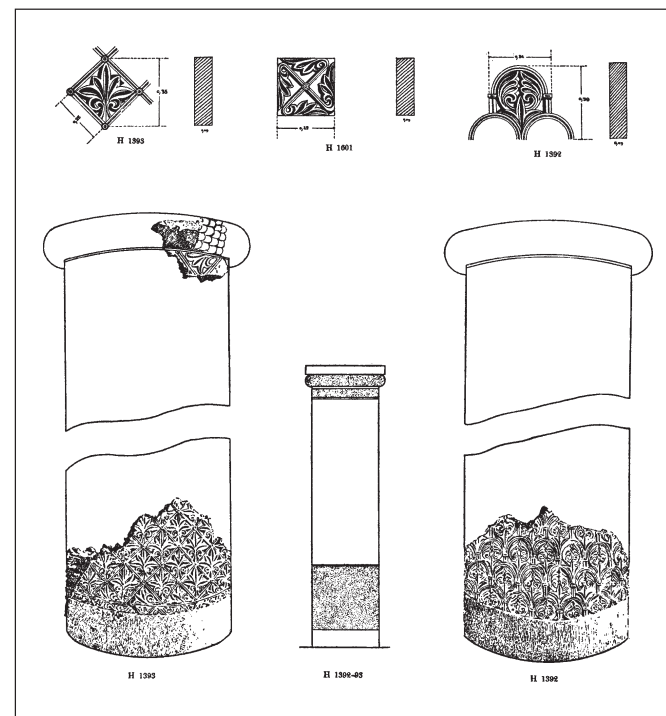
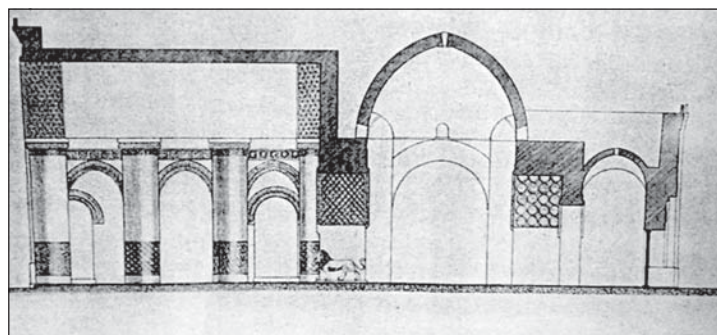
یک اتاق اصلی در پشت تالار، یک فضای باز جلوی تالار، و دست کم چهار اتاق در شمال و غرب اتاق اصلی است. مصالح ساخت بنا از خشت و تزیینات آن عمدتاً گچ‌بری بوده اما تکه‌هایی از نقاشی دیواری نیز به دست آمده است. ضخامت برخی دیوارها تا سه متر می‌رسد، ولی بیشتر دیوارها دارای ضخامت ۱ تا ۱/۴ متر می‌باشند. ستون‌های تالار در بخش‌های پایین (تا ۲۵ سانتی‌متر بالای کف) دارای اندود ساده گچی و بالای آن دارای تزیینات گچ‌بری است (ت ۹) که نه تنها بر روی ستون‌ها دیده می‌شود، بلکه به شکل پلاک‌هایی نیز در این بنا وجود داشته است. این پلاک‌ها به شکل نیم‌تنه انسان، بز کوهی، گراز، آهو، و شکل‌های نمادین است. اشمیت این بنا را بر اساس کشف سکه‌ای مربوط به قباد اول (۴۸۸-۴۸۱ م)، مربوط به زمامداری این پادشاه می‌داند^۳ (ت ۱۰ و ۱۱).

دارند، در زیر آن‌ها پی ندارد و هر ستونی را بر روی یک ردیف آجر، که از طرف قطر کار گذاشته و حدود ۱۵ سانتی‌متر در زمین فرو رفته‌اند، ساخته‌اند. این طرز ساختمان، که از هر حیث نمایاننده دوره ساسانیان است، در دوره اشکانیان هم معمول بوده و همان سبکی است که تمام جزییات در تاریخانه هم دیده می‌شود^{۳۹} (ت ۸).

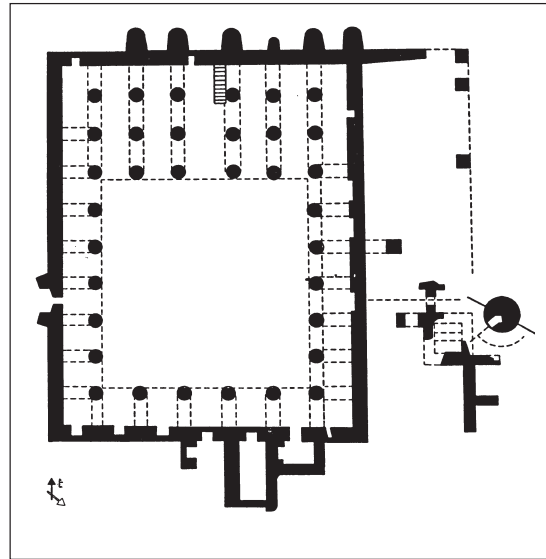
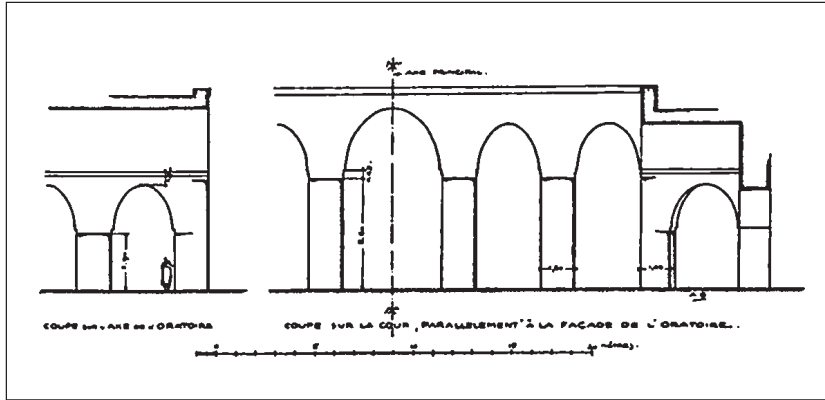
در گزارش حفاری‌ها و پرونده ثبتی کاخ آتشکده تپه‌حصار نیز غیر از مطالب مطرح قبلی چنین آمده است:

در حدود ۲۰۰ متری جنوب غربی تپه‌حصار بقایای بنایی از دوره ساسانی یافت شد که اشمیت آن را کاخی متعلق به این دوره می‌داند. امروزه از این بنا جز چند پاره دیوار بقایای تکه‌تکه‌شده کف گچی آن بر جا نمانده است. این بنا متشکل از یک تالار ستون‌دار،

ت ۹. (راست) نقوش گچ‌بری ستون‌های کاخ تپه‌حصار دامغان، اشمیت.
 ت ۱۰. (چپ، بالا) بازسازی نمای کاخ آتشکده تپه‌حصار دامغان، اشمیت.
 ت ۱۱. (چپ، پایین) بازسازی مقطع کاخ آتشکده تپه‌حصار دامغان، اشمیت.



متر است و با استناد به تصاویر موجود چنین به نظر می‌آید که ستون‌های شبستان مسجد تاریخانه یا حداقل ستون‌های دهانه میانی، تزئینات گچ‌بری دارند (همانند ستون‌های مسجد جامع نایین)؛ چنان‌که در طی عملیات احداث کانال دفع رطوبت در پشت دیوار شبستان مسجد قطعات گچ‌بری‌هایی یافت شد (این نوع تزئینات گچ‌بری در مسجد نایین نیز دیده می‌شود).

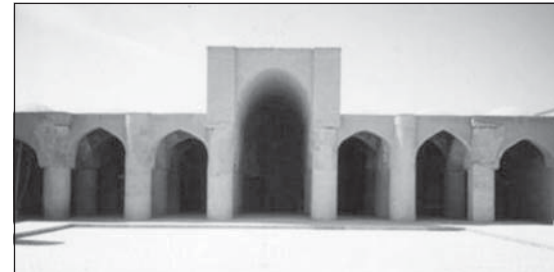


ت ۱۲. (راست، بالا) نمای جهت شبستان اصلی بعد از مرمت، نگارنده.
ت ۱۳. (راست، پایین) نمای جهت شبستان اصلی قبل از مرمت، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
ت ۱۴. (چپ، بالا) نمای جهت شبستان اصلی، آندره گدار.
ت ۱۵. (چپ، پایین) پلان مسجد تاریخانه دامغان، آندره گدار.

۴. مسجد تاریخانه دامغان

مسجد تاریخانه یکی از قدیمی‌ترین بناهای شهر دامغان بوده و در جنوب شرقی این شهر واقع گردیده است. مسجد پلانی مستطیل شکل دارد که به صورت یک شبستان در جهت قبله با یک حیاط مرکزی و رواقی در اطراف آن است. شبستان هفت دهانه دارد که دو دهانه آن در طرفین در راستای رواق‌ها و پنج دهانه در نمای اصلی دیده می‌شود (ت ۱۲ تا ۱۵).

تعداد ستون‌های مسجد ۳۴ عدد بوده که فعلاً ۲۶ عدد آن‌ها باقی مانده است که ۱۸ ستون آن در شبستان اصلی واقع و بقیه در اطراف حیاط قرار دارند. ستون‌ها با آجرهایی به ابعاد $۳۴ \times ۳۴ \times ۷$ سانتی‌متر شبیه آجرهای دوره ساسانی ساخته شده است. محیط هر ستون در حدود ۵ متر و قطر آن حدود $۱/۶$



طاق‌های اصلی این بنا را میرزا آقای عالمی از وعاظ دامغان در سال ۱۳۱۰ش با جمع‌آوری وجوهی از مردم شهر مرمت کرده، که با زدن تویزه‌هایی در راستای قبله، گنبد‌های کلمبو را با خشت بر روی آن ساخته و تفاوت تویزه‌های جدید با تویزه‌های اصلی هم از لحاظ نوع قوس و هم از لحاظ مصالح قابل تفکیک است؛ به طوری که تویزه‌های جدید از نوع قوس‌های اسلامی (تیزه‌دار) و با مصالح خشت ساخته شده‌اند.^{۳۱} (ت ۱۶).

در شبستان اصلی، دهانه میانی وسیع‌تر است و در آن محراب و منبر قرار داشته است که در حال حاضر فقط محل محراب آن باقی مانده و منبر آن در حدود سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۶ش تخریب گردیده است (ت ۱۷).

منبر تاریخانه دامغان، که در داخل مسجد ساخته شده (قرن هشتم و نهم میلادی / دوم و سوم هجری قمری)، وجه اشتراک بیشتری با منبر قبطیان دارد و علاوه بر آن بیشتر از خشت‌های گلی یا چوب در آن استفاده شده است. از آن جا که خشت‌های گلی جانشین سنگ در ایران باستان بوده، به راحتی می‌توان گفت که شکل سه‌گوش و پله‌دار آن منبر در تاریخانه دامغان، همان شکل تغییر یافته منبر سنگی قبطیان است. در ضلع غربی شبستان یک درگاهی مشاهده می‌شود که به صورت ورودی‌های دوره ساسانی است و با توجه به آثار و شواهد به دست آمده در این محل (که در ادامه خواهد آمد)؛ احتمالاً ورودی به قسمت

شبستان زمستانی و مسقف مسجد بوده است. در جهت مقابل شبستان مسجد تاریخانه، هفت دهانه ورودی است که یکی از آن‌ها احتمالاً راه پله پشت بام بوده و شش دهانه دیگر ورودی طاق‌هایی بوده‌اند که در حال حاضر یکی از آن‌ها سالم است.^{۳۲} حیاط مسجد با رواق‌هایی احاطه شده که این رواق‌ها مسقف بوده و طاق آهنکی به همان شکل طاق‌های شبستان داشته‌اند (ت ۱۸).

قوس‌ها و تویزه‌های رواق‌های مسجد تاریخانه بر دیوار سمت عقب آن‌ها عمود است و این همان روشی است که در بسیاری از بناهای باستانی ایران، از جمله در بنای ایوان کرخه که احتمالاً در زمان اشکانیان ساخته شده، به کار رفته است.^{۳۳}

ورودی اصلی مسجد از سمت ضلع شرقی بوده، در حال حاضر به دلیل خراب شدن اتاق‌های روبه‌روی شبستان، یکی از ورودی‌های اتاق‌ها برای ورودی مسجد استفاده می‌گردد. در ضلع شرقی مسجد و همچنین در پشت شبستان پشت‌بندهایی ایجاد گردیده است که مخصوص پشت شبستان قدیمی بوده‌اند و در نقشه ترسیمی آندره گدار نیز مشاهده می‌شود. در سال ۱۳۵۴ش، که پشت‌بندهای ضلع شرقی احداث گردیده، این پشت‌بندها نیز مرمت و ترمیم شده‌اند. در این سال به هنگام تعمیر و مرمت مسجد کف حیاط و رواق‌ها را آجر فرش کرده و کف حیاط را

۳۱. مبترا آزاد، همان‌جا.

۳۲. رابرت هیلن براند، همان، ص ۴۸.

۳۳. همان.



ت ۱۶. (راست) رواق‌های مسجد تاریخانه، نگارنده.

ت ۱۷. (میان) رواق مرکزی و محراب مسجد تاریخانه، نگارنده.

ت ۱۸. (چپ) نمای داخلی شبستان مسجد تاریخانه، نگارنده.

رواق دارد و یکی از طاق‌نماها، که عمیق‌تر از دیگران است، جای مقصوره مسجد است و به همین دلیل مواجه با قبله است. در دیوار عقب این مقصوره محراب را ساخته‌اند که جهت قبله را معلوم می‌کند. طاق مرکزی که محراب و منبر در زیر آن ساخته شده، از طاق‌های دیگر عریض‌تر است. نقشه این مسجد ساده‌ترین و خالص‌ترین و حتی علمی‌ترین نقشه‌های مساجد صدر اسلام است. تصادف بسیار خوبی است که، این مسجد در ایران واقع شده و مخصوصاً در دوره‌ای است که بناهای اسلامی هنوز تحت نفوذ سبک‌های ایرانی در نیامده و در ضمن معلوم می‌کند که مساجد ایران گذشته از نقشه چه چیزهای دیگری از اعراب پذیرفته است، بنا بر این چنین به نظر می‌آید که در مساجد ایران تأثیر مختصری از نقشه‌های مساجد عرب پذیرفته شده باشد. با اینکه مسجد تاریخانه طرحی معروف به عربی دارد، ولی اگر با مساجد جامع اموی دمشق و با مساجد قاهره مقایسه گردد، مشاهده می‌کنیم که ستون‌های آن بسیار قطورترند و به ستون‌های مسجد دمشق که از سنگ یکپارچه هستند و بالای آن سرستونی قرار گرفته شباهتی ندارد. ستون‌های قطور این مسجد کاملاً با ستون‌های کاخ‌های ساسانی همانند است (ت ۱۹ و ۲۰). دیگر اینکه در مساجد دمشق و قاهره و نظایر آن سقف روی ستون‌ها افقی است، حال آنکه در مسجد تاریخانه روی ستون‌ها قوس شلجمی به چشم می‌خورد و سقف آن از نوع طاق‌آهنگ است. در اشکال معماری که در بنای تاریخانه و در شکل ساختمان هیچ‌چیزی که ایرانی و جزئی از ساختمان و متعلق به معماری زمان ساسانیان نباشد، نیست. تاریخانه از حیث نقشه به قدری بیگانه از ایران است و از حیث ساختمان به قدری ایرانی است که یکی از مسافران نادری، که به این قبیل خرابه‌ها توجه داشت یعنی ایستویک، تصور کرده است که خرابه‌های آن خرابه یکی از معابد یا یکی از قصرهای شهر هکاتم پلوس یا شهر صدرروازه است. ستون‌های تاریخانه طاق‌های ضربی وسیعی دارد که موازی با نماها است و در تمام طول از طرف

پایین‌تر از سطح رواق‌ها در نظر گرفته‌اند (یک پله) و به جای ستون‌های ریخته‌شده، فقط جای آن‌ها را با تغییر نوع آجرچینی مشخص کرده‌اند.

محراب مسجد طاق‌نمایی عمیق با قوسی مازه دار و پلان مستطیل شکل دارد. در محراب محل مخصوص ایستادن است که ۵۰ سانتی‌متر پایین‌تر از کف مسجد قرار دارد. ارتفاع این محراب ۳۳۵ و عرض دهانه آن ۱۴۲ سانتی‌متر است. در محراب از همان مصالح ساخت مسجد استفاده گردیده و اندودی کاهگلی دارد و احتمالاً اندودی گچی داشته است. قابل ذکر است که محراب در وسط دیوار رو به قبله (وسط دیوار دهانه میانه) قرار نگرفته و این به خاطر قرار گرفتن منبر در سمت راست آن بوده است و اگر محراب در وسط قرار می‌گرفت، منبر در کنار جرز ستون واقع می‌شد و در هنگام سخنرانی از دید عده‌ای از شنوندگان مخفی می‌ماند. بر اساس شواهد (نقشه آندره گدار) و عکس‌های موجود و همچنین تحقیقات میدانی در محوطه پشت رواق‌های داخل حیاط نیز تعدادی پشت‌بند توخالی رواق‌مانند قرار گرفته بوده که تخریب شده است. این نوع ساخت‌وساز نیروهای رانشی طاق‌ها را خنثی می‌کرده است.^{۳۴}

بر اساس آنچه از مقاله و نظریه آندره گدار درباره مسجد تاریخانه که در شماره ۱ مجله مهر (۱۳۱۲) دریافت می‌شود،

دو نمونه از بناهایی که مقدم بر دوره سلجوقیان است، مسجد جامع نایین و تاریخانه دامغان است. تاریخانه به معنی خانه خدا است و آن را مسجد چهل‌ستون هم می‌نامند. نقشه این بنا همان نقشه مساجد صدر اسلام است که از هر عنصر خارجی عاری است و بر حسب تصادف هرگز آن را تعمیر نکرده‌اند،^{۳۵} فقط در دوره سلجوقیان به جای مناره خشت و گلی آن که ریخته بود برجی از آجر پخته ساخته‌اند، این مناره جدید را هم در جای مناره قدیم نساخته‌اند، بلکه در کنار آن بنا کرده‌اند، به طوری که شکل عمومی اصلی بنا باقی مانده است. بنای مسجد هم شامل صحنی تقریباً مربع است که چهار طاقی و

۳۴. میترا آزاد، همان، ص ۴۰۵.
 ۳۵. چند سال قبل از تحریر مقاله آندره گدار، مسجد مرمت شده بود.

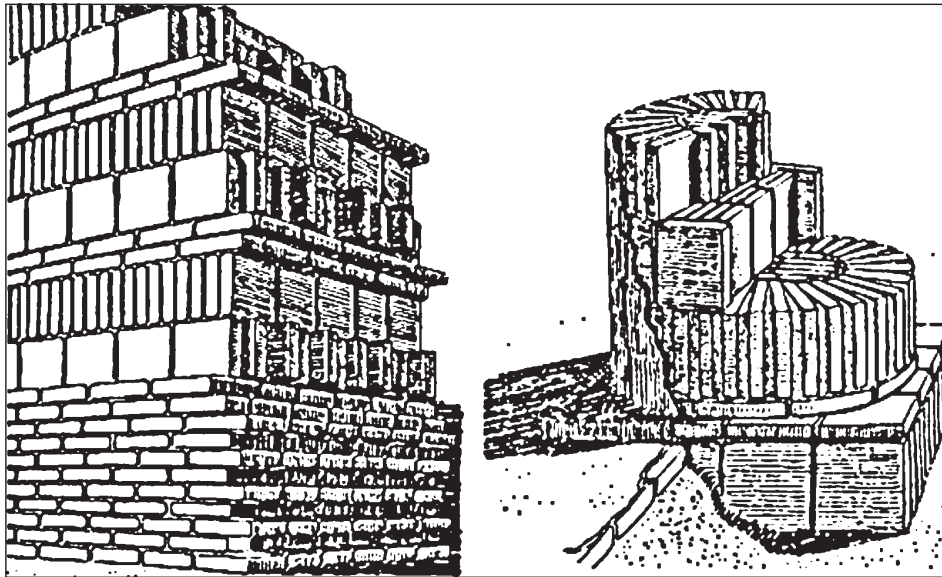
۳۶. آندره گدار، «تاریخانه دامغان، قدیمی‌ترین مسجد ایران که از آن اطلاع داریم»، ص ۶۱-۶۴

ت ۱۹. (راست) شیوه آجرچینی ستون‌های مسجد تاریخانه، نگارنده.
ت ۲۰. (چپ) شیوه پارتی کاربرد آجر در ساخت دیوار و ستون مسجد تاریخانه، پوپ و پیرنیا.
ت ۲۱. (صفحه روبه‌رو) تغییر طاق‌های گهواره‌ای به کلمبو در سقف شبستان مسجد تاریخانه، نگارنده.

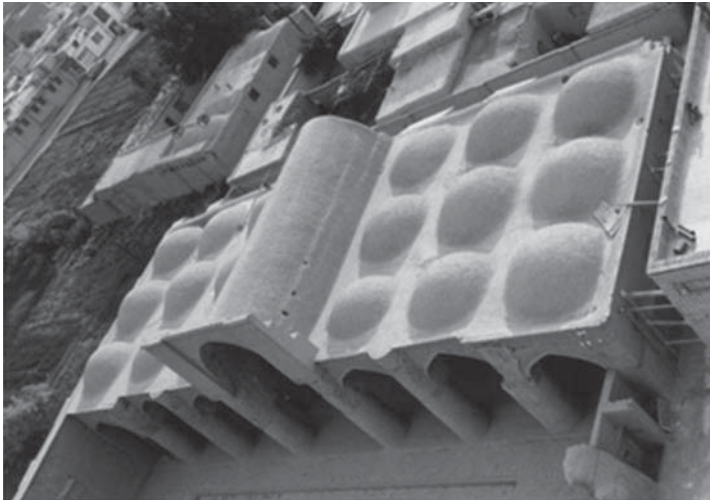
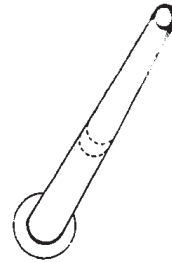
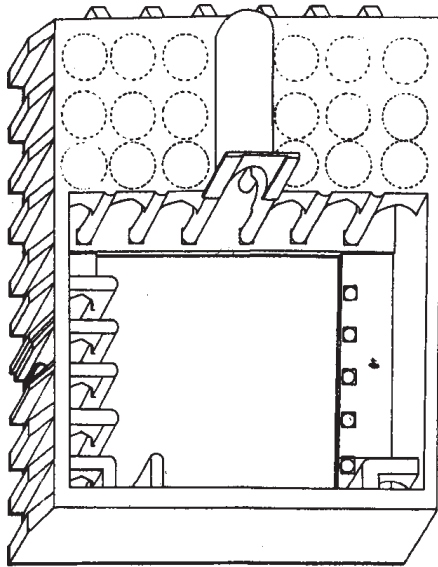
بیرون یعنی از طرف صحن مسجد باز است و مانند ایوان‌های واقعی بناهای زمان ساسانیان است. این طرز ساختمان به کلی ایرانی است، طاق‌های آن طاق رومی نیست و حتی از طاق‌های منکسر هم نیست که آن‌ها را طاق ایرانی می‌نامند و ساخت آن در ایران و اطراف ایران از زمان بنی عباس به بعد معمول شده است. بلکه طاق‌های کامل دوره ساسانیان است که زنجیره‌وار می‌ساختند و مرکب از دو پایه مرتفع است. سطح آجرهای آن به طور متوسط ۳۴×۳۴ سانتی‌متر مربع و قطر آن ۷۵ میلی‌متر است. در نداشتن پی هم مانند کاخ ساسانی تپه‌حصار است و همان‌طور جزرها را بر روی یک ردیف آجری که از قطر کار گذاشته شده‌اند، بالا برده‌اند (ت ۲۰). ستون‌های رواق $۱/۶$ متر قطر دارند. بعضی اندکی کمتر از جززهای تپه‌حصار؛ ولی اگر در نظر بگیریم که جززهای معبد ساسانی پوشیده از گچ‌بری‌هایی است با ۶ سانتی‌متر قطر و جززهای تاریخانه فعلاً جز یک ورقه روکش نازکی از ساروج ندارد، معلوم می‌شود که قطر جززها بدون روکش و گچ‌بری در هر دو بنا یکی است. تاریخانه در

دو طرف شمال شرقی و شمال، جنوب غربی و غرب متعلقاتی داشته که اینک از میان رفته است. ممکن است سؤال کنید که چرا هنوز قسمتی از مسجد باقی است و حال آنکه از بقیه آن فقط دیوارهای ناقصی مانده است؟ این بدان خاطر است که در ساختن متعلقات مسجد خشت خام به کار برده‌اند، ولی در ستون‌ها و طاق‌های ضربی مسجد، بعضی از آن قسمت‌های که باقی‌مانده را با آجر ساخته‌اند، از طرف دیگر طاق‌های ایوان‌ها را که با خشت ساخته‌اند بدون استثنا فرو ریخته و از میان رفته است. هیچ پله‌ای در میان کف طاق‌ها و کف صحن نیست و هیچ اثری هم که معلوم شود قسمتی از این بنا را در دوره ای فرش کرده باشند، دیده نمی‌شود. به نظر می‌آید که تمام بنا همیشه یکدست بوده و کف قسمت‌های مسقف هم مانند دیگر قسمت‌ها فقط خاک بوده است.^{۳۶}

قطعات گچ‌بری به‌دست‌آمده با گچ‌بری‌های مسجد جامع نایین و گچ‌بری‌های دوره ساسانی در کاخ تپه‌حصار مشابهت دارد. (ر. ک «ت ۲۲»: جدول مقایسه تزیینات ستون‌ها)



تاریخانه در اوایل دوره اسلامی ساخته شده، یعنی همان زمانی که روش ساختمان ساسانیان هنوز رایج بوده است.^{۳۸}



این بنا نیز مانند بناهای ساسانی بدون پی است و دیوارها و ستون‌ها بر روی یک لایه آجر که از قطر کار گذاشته، ساخته شده‌اند. پوشش‌های مسجد در قدیم کلاً به شکل طاق آهنگ بوده است. در دهانه میانی، که منبر و محراب در آن قرار داشته، در انتهای دهانه و زیر طاق، حالتی از گوشه‌سازی در عکس‌های قدیمی مشاهده می‌شود که با توجه به شواهد یک حالت نیم‌گنبد در انتهای طاق بوده و اصطلاحاً به آن نیم‌طاق بسته می‌گویند. این نوع گوشه‌سازی و نیم‌گنبد در مسجد کاخ اخضر نیز دیده می‌شود،^{۳۷} (ت ۲۱).

۵. دیدگاه محققان در خصوص مسجد تاریخانه و کاخ تپه‌حصار دامغان

مساجد زیادی در قرون اولیه اسلامی در ایران بوده که به شیوه شبستانی ستون‌دار ساخته شده‌اند. از جمله آن‌ها مساجد جامع شوش، ری، سیراف، استخر، دماوند، شبستانی اصفهان، و جامع اولیه قزوین، جامع اولیه شیراز (دوره عمر و لیث صفاری)، و جامع اولیه یزد است. بسیاری از آن‌ها مانند مساجد شوش و ری و استخر یا کاملاً خراب شده یا نقشه‌های اولیه آن‌ها تغییر کرده است. سخن این مقاله روی مسجد شبستانی پابرجا یعنی مسجد تاریخانه دامغان است. زیرا مساجد دیگر با طرح‌های یک ایوانی (مسجد اولیه نیریز) دو ایوانی و چهار ایوانی و مساجد با طرح چهارطاقی، چه شبستانی ستون‌دار داشته باشند یا نه، در گروه مساجد خالص ایرانی قلمداد می‌شوند.

در ابتدا به نظرات اشمیت حفار مسجد تاریخانه و تپه‌حصار، آندره گذار و پوپ می‌پردازیم و سپس دیدگاه‌های سایر صاحب‌نظران مطرح می‌شود. دکتر اریک اشمیت در گزارش خود می‌نویسد:

پیش از مرحله دوم حفاری تپه‌حصار، در قسمت داخلی مسجد خراب شده‌ای به نام تاریخانه (خدای‌خانه) به طور آزمایشی حفاری نمودیم. آجرهای بزرگ که خیلی شبیه آجرهای قصر ساسانیان تپه‌حصار بود، بیانگر این واقعیت است که ساختمان

آندره گذار نیز درباره تاریخ ساخت مسجد آن را به دوره ساسانیان نزدیک می‌داند، ولی معتقد است که باید در زمانی متوقف شد که نقشه اصلی مسجد را کشیده‌اند.

به وسیله نمونه‌های اصلی می‌دانیم که این نقشه از اواسط دوره بنی امیه متداول بوده است. در این زمان، صحن و رواق وجود داشته و جهت قبله را به وسیله محراب معلوم می‌کرده‌اند. در اواخر این دوره است که منبر جزء اثاثیه لازم مسجد شده است و انحراف محل محراب بنا ثابت می‌کند که همواره در همین محل منبری بوده است؛ پس در هر صورت می‌توان آخر دوره بنی امیه را قدیمی‌ترین زمان ساخت این بنا دانست. ویژگی قبل از اسلام بعضی از عناصر این بنا معلوم می‌کند که قطعاً نقشه این مسجد مانند نقشه مسجدی است که شبیه به معبد ساخته شده و قسمتی از وضع عمومی و زینت آن به سبک دوره ساسانی است؛ ولی معذالک معبد دامغان دیرتر از زمان‌های اصلی ساخته شده است. آندره گذار با مقایسه ایجاد طاق‌های منکسر در بنای تاریخانه (که بعد از مرمت تغییر شکل داده‌اند) و درگاه دروازه بغداد و نتیجه‌ای که میس بل از کاخ اخیزر^{۳۹} گرفته بود، بیان کرده که می‌توان ساخت تاریخانه را در قدیمی‌ترین زمان ممکن، یعنی جلوس اولین خلیفه عباسی در سال ۱۳۲ق و سلطنت هارون الرشید از ۱۷۰ تا ۱۹۳ق تصور کرد، در حدود اواسط قرن دوم هجری.

همین نتیجه‌ای است که میس بل در باب تاریخ بنای کاخ اخیزر گرفته است. عجب در این است که طاق‌های بیضی‌شکل تاریخانه، که تمایلی به طاق‌های منکسر دارد، شبیه به همان طاق‌ها است. احتمالاً آندره گذار مرمت دوره قاجاریه مسجد را در نظر نگرفته است. در نهایت گذار معتقد است که تاریخانه با «طرح شبستانی» و مانند مساجد اولیه با طرح عربی بنا شده است، اما در اشکال و فنون ساختمانی و ابعاد و اندازه‌ها آن را کاملاً ایرانی و مشابه معبد تپه‌حصار دامغان می‌داند.^{۴۰}

آرتور پوپ نیز نظر خود را درباره تاریخانه این‌گونه بیان

می‌دارد که:

ساختمان از لحاظ مصالح و سبک کاملاً ساسانی است، تنها نوآوری در طاق‌نماهای نسبتاً نوک تیز آن دیده می‌شود که نخستین نمونه گزارش شده از ایران است. علی‌رغم ماهیت نیرومند ساسانی تاریخانه، این بنا ساسانی نیست، چون شکل آن با دستاوردهای اسلامی کاملاً عوض شده است. بنا بر نظریات فوق الذکر و همچنین با توجه به نوع معماری تاریخانه، شباهت‌های بسیار زیاد آن با کاخ اخیزر (۱۵۹ق)، چه از لحاظ شکل پلان، نوع قوس‌ها و شکل چینش سرستون‌ها، شکل ورودی، و همچنین گوشه‌سازی طاق‌ها و استفاده از اسلوب‌های معماری ساسانی، که در قرون اولیه اسلام هنوز از آن استفاده می‌شده است و چه از نظر چگونگی ستون‌سازی و ابعاد آجرهای به‌کاررفته در ستون‌ها، تاریخ ساخت مسجد تاریخانه را می‌توان، همان‌طور که عقیده آندره گذار است، در نیمه اول قرن دوم هجری یعنی در حدود سال‌های حکومت المهدی فرزند منصور (۱۳۶-۱۵۸ق) بر ایالت قومس مشخص کرد (علی‌رغم آنکه معماری مسجد الهام زیادی از معماری کاخ ساسانی در تپه‌حصار گرفته است). از نظر اسلوب فنی و ساختمانی کاملاً شبیه بناهای ساسانی است. تنها تازگی آن جناغی شدن تدریجی قوس‌ها است. این نخستین قوس از این نوع است که در ایران باقی مانده است.^{۴۱}

در خصوص مساجد اولیه ایرانی هیلن براند می‌نویسد: «قدمت طرح مسجد عربی چنان بود که در سرزمین‌های غیرعرب نیز نفوذ یافت. اغلب مساجد اولیه ایران طرح عربی داشتند».^{۴۲} همان‌طور که قبلاً گفته شد، آندره گذار نیز آن‌ها را مساجد با نقشه سبک بدوی عرب دانسته و دوره رواج آن‌ها را بین دو دوره ساسانی و سلجوقی و تقریباً چهار قرن اولیه می‌داند. باربارا فینستر نیز با حرف‌هایی ضد و نقیص طرح این مساجد را اموی-سوری می‌داند. او می‌گوید:

مسجد دامغان هنر کاملی را به نمایش می‌گذارد. چون طرح

۳۷. میترا آزاد، همان. ص ۴۰۴.
38. E.F.Schmidt, ibid.

۳۹. این بنا قصری است که هارون الرشید در رقه در سال ۱۷۴ق بنا کرده است.

۴۰. آندره گذار، همان‌جا.

۴۱. آرتور پوپ، معماری ایران، ص ۷۹-۸۰.

۴۲. رابرت هیلن براند، همان، ص ۹۴.

ایوان می‌توانست ورودی مرکزی به شبستان را مشخص سازد (تاری خانه دامغان و مسجد نایین). و یا در واقع خود به‌تنهایی به عنوان شبستان مورد استفاده قرار گیرد (مسجد نیریز). بنا بر این ایوان و اتاق گنبددار، هر دو به زودی (قرن دوم) راه خود را در معماری مسجد ایرانی باز کردند و با نیروی مأخذ خود، شکل‌تر از مسجد طرح عربی می‌نمودند و ارتباط میان اتاق‌های گنبددار، ایوان، و تالار ستوندار، آینده مسجد ایرانی را در دست گرفتند. در شبستان سمت قبله در تاریخانه دامغان که در عمق سه ردیف ستون و چشمه طاق دارد، در شبستان طرف قبله فاصله بین ستون‌های ردیف چشمه‌طاق‌های مرکزی نسبت به فاصله ردیف ستون‌های دیگر، مانند مسجد جامع فهرج بیشتر است. طبعاً بلندی دهانه طاق‌های آن ردیف از بلندی طاق‌های دیگر بیشتر است.^{۴۵}

عباس زمانی تاریخانه را جزء مسجدهای ستون‌دار می‌داند و اما آن را هم از نظر طرح و هم ساخت، ایرانی ذکر می‌کند.^{۴۶} بر اساس نظر پیرنیا طرح بنا ایوان‌دار است؛ پوشش بنا را به صورت طاق و تویزه و با ارتفاع کوتاه زده‌اند و سقف را به منظور مردم‌وار کردن بنا کوتاه کرده‌اند.^{۴۷}

به نظر مشکوتی تاریخانه به تقلید از معماری ساسانی ساخته شده است. مشکوتی به مشابهت ستون‌های تاریخانه و کاخ ساسانی تپه‌حصار اشاره می‌کند.^{۴۸}

مصطفوی معتقد است که دهانه میانی شبستان مسجد تاریخانه و جامع نایین عریض‌تر از دهانه‌های دیگر است و در نتیجه می‌توان این نوع طاق بلند را مقدمه پیدایش ایوان دانست.^{۴۹}

جمع‌بندی نظرات محققان در خصوص بخش‌هایی که آن‌ها در خصوص مسجد تاریخانه و کاخ آتشکده تپه‌حصار یا سایر بناهای مذهبی ساسانی بیان کرده‌اند در جدول «ت ۲۲» ارائه شده است.



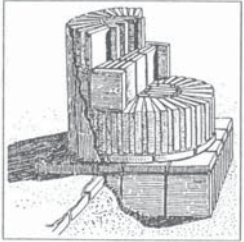
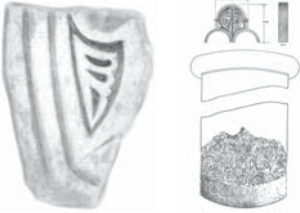
اصلی یک بنای مذهبی بیگانه برای یک سرزمین را با امکانات زبانی خاص خود بیان می‌دارد. این سؤال که چگونه به این معماری پیشرفته دست یافته شده است، به‌سختی قابل پاسخ است و نمونه برای آن احتمالاً در مرکزی بزرگ در شرق، مثلاً در مرو یا نیشابور قرار دارد.... طرح اصلی- نظم طاقگان نیز به نمونه مسجد اموی- سوری‌های بازمی‌گردد. اشاره به کاخ دامغان از دوره ساسانی نباید کافی باشد. این کاخ در فاصله دور بیرون از شهر قرار دارد. باید از قبل در آن دوره ویران بوده باشد. در معماری ساسانی طاقگان‌ها در اتاق‌های معینی به کار برده شده‌اند، برای مثال در یکی از تالارهای آتشکده تخت سلیمان، در بنای معبدی در عراق، در بنای قصر شیرین، در تالار تاج‌گذاری اوخیضر و دار العماره کوفه را می‌توان نام برد. سرسرای ستون‌دار و همراه با طاقگان از دوره ساسانی روایت نشده است. مساجد ستون‌دار قدیمی طبق سنت عربی سقف همواری داشته‌اند. مساجد ستون‌دار همراه با طاقگان در ارتباط با طاق ضربی سنتی برای خراسان یک نوپردازی را برای شرق تصویر می‌کند. همان‌طور که ذکر شده نمونه برای آن مسجد اموی- سوری بود که صرف نظر از مساجد قدیمی بین‌النهرین در دوره اموی در ایران نیز برای بنای مذهبی اهمیت یافته بوده است. اشاعه این نوع مسجد به عنوان طرح اموی‌ها قابل درک است.^{۴۳}

در پاسخ به ایشان باید به سرسرای ستون‌دار با طاق گهواره‌ای در کاخ- آتشکده سروستان و همچنین کاخ خسرو در قصر شیرین و کاخ ساسانی دامغان اشاره کرد و در عین حال یادآور شد که «معماران سوری ترجیح می‌دادند که، طاقگان را به موازات قبله بسازند، مانند مسجد دمشق، قصرالحمیر، حیران، و رقه».^{۴۴}

هیلن براند مسجد تاریخانه و مسجد نایین را طرح ایوانی می‌داند و می‌نویسد:

شکل ایوان به‌خوبی برای ورودی با ابهت مسجد مناسب بود.

۴۳. باربارا فینستر، «شوش، اصطخر، سیراف، دامغان، مساجد ستون‌دار ساده اوایل دوره اسلامی»، ص ۱۷۹-۱۹۱.
 ۴۴. رابرت هیلن براند، همان، ص ۷۷.
 ۴۵. رابرت هیلن براند، همان، ص ۹۵-۹۷.
 ۴۶. عباس زمانی، «در مساجد ایران نقشه سبک بدوی عربی وجود ندارد»، ص ۲-۱۷.
 ۴۷. کریم پیرنیا، سبک‌شناسی معماری ایرانی، ص ۱۴۱.
 ۴۸. نصرت‌الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی، ص ۲۸۱.
 ۴۹. سیدمحمدتقی مصطفوی، نگاهی به هنر معماری ایران، ص ۵۶.

شکل	منبع	میزان تطابق	مسجد تاریخانه دامغان	کاخ تپه حصار دامغان یا نمونه ساسانی	جزئیات موضوع	موضوع	ردیف
	اشمیت ۳۸	کامل	۳۵ × ۳۵ × ۸	۳۰ × ۳۰ × ۸	ابعاد آجرها	مصالح	۱
	آندره گدار ۳۶	کامل	اجرای پی در مسجد تاریخانه مشابه کاخ تپه حصار میباشد.	هر ستون روی یک ورقه آجر که از طرف قطر کار گذاشته شده است و فقط ۱۵ سانتی متر در زمین فرو رفته است	اجرای پی	پی	۲
	آندره گدار	کامل	۱/۶ متر بدون تزیینات	۱/۷۲ با تزیینات	ضخامت ستونها		۳
	پوپ ۴۱ - گدار	کامل	به صورت راسته - کله	چیدمان آجر به صورت راسته - کله	چیدمان آجر در ستونها	ستون	
	آندره گدار (۱۳۱۶)	کامل	تزیینات اولیه گچ بری بوده ، و هم اکنون روکش ساروج دارد.	۶ سانتی متر ضخامت گچ بری	تزیینات ستونها		

شکل	منبع	میزان تطابق	مسجد تاریخانه دامغان	کاخ تپه حصار دامغان یا نمونه ساسانی	جزئیات موضوع	موضوع	ردیف
	پوپ- هیلن براند (۱۳۸۱)	کامل	طاق گهواره‌ای بر روی ستون‌ها	طاق گهواره‌ای بر روی ستون‌ها	نوع طاق	طاق‌ها	۴
	پیرنیاسبارارا فینستر- گدار	کامل	قوس‌های اولیه بیضوی ساسانی، پس از مرمت، بعضی از قوس‌ها تیزه‌دار شدند.	قوس بیضوی ساسانی	شیوه اجرای طاق‌ها		
	دکتر عباس زمانی (۱۳۵۵)	کامل	تویزه‌های آجری روی جرزها نشسته‌اند.	نمونه ساسانی: ایوان کرخه تویزه‌های آجری را روی جرزها گذاشته‌اند.	شیوه اتصال تویزه رواق‌ها با جرزها		
 	پوپ- هیلن براند	کامل	ایوان مرکزی عریض تر و با طاق گهواره‌ای	کاخ تپه حصار دامغان و چند کاخ دیگر ایوان مرکزی عریض تر و بلندتر با طاق گهواره‌ای	ایوان مرکزی	ایوان	۵

ردیف	موضوع	جزئیات موضوع	کاخ تپه حصار دامغان یا نمونه ساسانی	مسجد تاریخانه دامغان	میزان تطابق	منبع	شکل
۶	حیاط	حیاط محاط در رواق	نمونه ساسانی: آتشکده آذر گشسب و کاخ خسرو، حیاط محاط در رواق. حیاط کاخ تپه حصار مشخص نیست.	حیاط محاط در رواق	کامل	دکتر عباس زمانی (۱۳۵۵)	
۷	منبر	شیوه ساخت منبر	نمونه ساسانی در ایوان متصل به آتشکده آذر گشسب سکوی پله دار خشتی و متصل به انتهای ایوان اصلی برای تاج گذاری و سخنرانی هنوز هست.	ساخته شده از خشت و متصل به انتهای ایوان اصلی	کامل	مهندس زهره بزرگمهری نگارنده	
۸	ایده کلی	تالار ستون دار شروع سبک ایوانی	در کاخ تپه حصار: تکثیر طاق گهواره ای در سه دهنه	تکثیر طاق گهواره ای در هفت دهنه	کامل	هیلن براند	

نتیجه گیری

و فقط در طرح نقشه معماری آن اختلاف نظر دارند. از این منظر سه دیدگاه مطرح می شود؛ گروه اول که برخلاف نظر نگارنده، مسجد تاریخانه و مساجد شبستانی ایران را طرح عربی می دانند، احتمالاً از سابقه نیایش ایرانیان در تالارهای ستون دار در دوره های گذشته (ماد، هخامنشی، و پارتی) و همچنین از فضا سازی در معماری دوره ساسانی، مانند تالارهای ستون دار آتشکده تپه حصار، کاخ سروستان،

با توجه به مقایسه دو بنای مسجد تاریخانه و کاخ آتشکده تپه حصار دامغان و نظرهای محققان مختلف در خصوص این دو بنا مشاهده می شود که، بیشتر آن ها، از نظر جزئیات اجرای ساختمانی مانند پی ها، چگونگی آجرچینی ستون ها و جرزها، نوع طاق ها، تزیینات ستون ها و مباحث اجرایی دیگر، این دو بنا را کاملاً مشابه یکدیگر دانسته اند

کاخ آتشکده تپه حصار در نزدیکی مسجد تاریخانه و با توجه به تغییر عملکرد و حضور بیشتر مردم معتقدند که با تکرار فضای تالار، به نیاز سطح بزرگ‌تر، مانند شبستان، پاسخ داده می‌شود و در فضای معماری در این تکثیر و تکرار قوانین قبلی رعایت می‌شود. محل منبر و محراب که ارزشی بیشتر از سایر قسمت‌ها دارد، ابتدا عریض‌تر و در نمونه‌های بعدی رفیع‌تر نیز می‌گردد. به این طریق می‌توان گفت که، معماری مذهبی ایران در قرون اولیه اسلامی نیز بیشترین عوامل معماری ایران باستان را به‌خصوص در ساخت مسجد تاریخانه دامغان به کار گرفته است.

اوایل دوره اسلامی»، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، در مجله اثر، ش ۳۳ و ۳۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۱)، ص ۱۷۹-۱۹۱.

کونل، ارنست. هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: مشعل آزادی، ۱۳۴۷.

گذار، آندره. هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸.

_____ . «تاریخانه دامغان: قدیمی‌ترین مسجد ایران که از آن اطلاع داریم»، در مجله مهر، ش ۱ (۱۳۱۶)، ص ۶۱.

مشکوئی، نصرت‌الله. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۴۵.

مصطفوی، سیدمحمدتقی. استمرار هنر معماری در ایران، تهران: انتشارات کمیته فرهنگ جشن دوهزاروپانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰.

_____ . نگاهی به هنر معماری ایران، انتشارات شرکت سهامی سیمان تهران و شرکت سهامی سیمان شمال، ۱۳۴۶.

مطهری، مرتضی. خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: صدرا، ۱۳۵۰.

ویلسن، ج. کریستی. تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران: وزارت معارف، ۱۳۴۷.

هیلن براند، رابرت. معماری اسلامی (شکل، کارکرد، معنی)، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: روزنه، ۱۳۸۷.

یارشاطر، احسان و دیگران. حضور ایران در جهان اسلام، ترجمه فریدون مجلسی، تهران: مروارید، ۱۳۸۱.

Schmidt, E.F. *Excavation at TepeHissar*, Philadelphia: University of Pennsylvania press, 1937.

کاخ خسرو، کاخ ایوان کرخه، و همچنین از ساخت اولین مسجد کوفه به دست معمار ایرانی با طرح و نقشه ایرانی و در حوزه نفوذ معماری ایران (عراق) بی‌اطلاع بوده‌اند. دوم گروهی هستند که طرح مسجد تاریخانه را آغاز احداث ایوان بزرگ پارتی- ساسانی در مرکز جبهه قبله مسجد می‌شناسند، که نظیر همین وضع در مسجد جامع فهرج و نایین در شبستان جانب قبله دیده می‌شود. البته در مسجد تاریخانه دامغان دهانه مرکزی مانند فهرج فقط عریض‌تر بوده و بعد در مرمت‌ها بلندتر شده و فرم تک‌ایوان می‌گیرد. سوم گروهی که با توجه به سابقه نیایش در تالار ستون‌دار به‌ویژه تالار ستون‌دار

منابع و مأخذ

آزاد، میترا. بررسی تحول بناهای مذهبی دوره ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه اسلامی ایران، رساله دکتری (منتشر نشده)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴.

اشمیت، اریک اف. «کاوش‌های تپه حصار دامغان»، ترجمه ناصر نوروززاده چگینی، در همایش بین‌المللی فرهنگ هفت‌هزار ساله حصار در دامغان، سمنان: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری، و صنایع دستی، ۱۳۸۵.

بهنام، عیسی. «مساجد ایران از ابتدای دوران اسلامی»، در مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۱۷ (آذر و دی ۱۳۴۷)، ص ۷۱-۸۶.

پوپ، آرتور. معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: فرهنگان، ۱۳۷۳.

پیرنیا، محمدکریم. سبک‌شناسی معماری ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۸۰.

تجویدی، علی‌اکبر. «تداوم در معماری ایران»، در مجله هنر و مردم، ش ۱۱۱ (دی ۱۳۵۰)، ص ۲-۱۷.

خلیلی، عباس. ایران بعد از اسلام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.

زمانی، عباس. تأثیر هنر ساسانی بر هنر اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.

_____ . «در مسجد ایران نقشه سبک بدوی عرب وجود ندارد»، در مجله هنر و مردم، ش ۱۱۶ (خرداد ۱۳۵۱)، ص ۲۲-۳۹.

صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.

فینستر، باربارا. «شوش، اصطخر، سیراف، دامغان، مساجد ستون‌دار ساده